

(۴) به مناسبت ۲۹ اردیبهشت امسال (۱۳۸۹)

(پنج)

هنگام جنگ بین الملل اول حسن پیرنیا مشیرالدوله در عمر کوتاه کابینه ای که پس از استعفای مستوفی الممالک تشکیل داد، توانست با استفاده از موقعیت، دست موسیو مرنارد بلژیکی خزانه دار ایران را که یکی از عمال موثر سیاست خارجی بود از مالیه کوتاه کند.

او جانشین مورگان شوستر امریکائی شده بود و از قانون معروف ۲۳ جوزا راجع به اختیارات شوستر که روزی اشخاص وطن دوست با سلام و صلوات تصویب کرده بودند، سوء استفاده میکرد، مورگان شوستر بدنبال اولتیماتم معروف روسیه تزاری برکنار شده شده بود و دولتین روس و انگلیس در اعمال قرارداد ۱۹۰۷ مرنارد و همکاران وی را به ایران تحمیل کرده بودند. مشیرالدوله لایحه تشکیلات مالیه را که شخصا تنظیم کرده بود به مجلس شورایملی فرستاد که پس از تصویب در کابینه بعدی (مستوفی الممالک) اجراء گردید . (این قانون ، ناسخ قانون در بدو امر

محبوب و اکنون منفور ۲۳ جوزا بود). اعضاء کمیسیون تطبیق حوالجات راهم که در قانونبه تعداد پنج نفر پیش بینی شده بود، مجلس سوم در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی تعیین کرد که مصدق یکی از آنان بود. اعضاء کمیسیون از نمایندگان مجلس نبودند و اهمیت کمیسیون در این بود که مجلس از طریق آن بر امور مالی کشور نظارت کامل اعمال میکرد. به درخواستهای پولی هریک از وزارتخانه ها در کمیسیون رسیدگی میشد و چنانچه طبق اعتبارات مصوبه مجلس صادر شده بود توسط کمیسیون تصدیق می شد و بدون این تصدیق خزانه حق پرداخت نداشت. بطور خلاصه هیچ وجهی بدون تصویب و نظارت مجلس از خزانه کشور خارج نمیشد. مدتی پس از شروع کار این کمیسیون سیاست خارجی که دستش از نظارت در مالیه کشور کوتاه شده بود با دستیاری محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی که در رأس دولت قرار گرفته بود در جهت اجرای قرارداد منحوس ۱۹۰۷ روس و انگلیس تصمیم به تشکیل کمیسیون دیگری برای نظارت در مالیه ایران گرفت. این کمیسیون هم مرکب از پنج نفر بود که سه نفر را دولت ایران و یک نفر را انگلیس و دیگری را دولت روس تعیین مینمودند. سپهسالار ریاست این کمیسیون را از طریق کسینسکی رئیس اداره تجارت روسیه در ایران و البته با صلاحدید انگلیس به مصدق پیشنهاد کرد. خواستند با تطمیع وی به دریافت حقوقی معادل یکهزار تومان در ماه که دول خارجی پرداخت آن راحتی در صورت استعفاء یا انحلال کمیسیون مادام العمر تضمین مینمودند، مصدق را به قبول این سمت وادارند تا با یک تیر دو نشان زنند: با استفاده از نام نیک و حیثیت مصدق برای خود آبرویی کسب کنند و ضمناً یکی از چهره های

درخشان کشور را بنفع خود آلوده سازند و در نتیجه کسانی را که بوی دل بسته بودند نومید و مأیوس نمایند.

هرچند وجود مصدق لجوج در چنین کمیسیونی ممکن بود کار را آنطور که باید بنفع سیاست خارجی پیشرفت ندهد لکن مقصود خارجیان از تعیین عضو منتخب مجلس سوم در کمیسیون تطبیق حوالجات و مهمترین کارشناس امور مالی ایران برای این کار در بدو امر مشروع نمودن عمل خود و رسمیت دادن به قرارداد ۱۹۰۷ بود که از هر فرصتی برای این امور استفاده میکردند. سیاست انگلیس همیشه برای نشان دادن بی‌غرضی خود و ساختن زمینه‌های طویل‌المدت بمنظور اسکات مردم، نرم نرمک پیش رفته است و کوچکترین استفاده از اشخاص با عقیده و ایمان را در جهت محکم کردن میخ‌های خود به بزرگترین استفاده از اشخاص سرسپرده و بی‌ایمان ترجیح داده و از اشخاص بی‌عقیده و بی‌ایمان وقتی استفاده کرده که هیچ فرد کم‌ایمانی هم خود را در معرض استفاده قرار نمی‌داده است. در اینجا بی‌مناسبت نیست که از سایر روشهای انگلیس نیز نام برده شود. مثلاً یکی دیگر از روشهای انگلیس در عملیات استعماری خود سیاست "نعل وارونه" است. مثل اولین ماده قرارداد تحت المایگی ۱۹۱۹ میلادی که مشروحا حاکی از تضمین استقلال و تمامیت ارضی ایران است و نیز مثل زمانی که مأموران سفارت انگلیس همراه هیأتی از طرف احمد شاه به خارج از شهر تهران میروند تا این هیئت از ورود قزاقانی که با نقشه کلنل اسمایت انگلیسی برای انجام کودتای ۱۲۹۹ به شهر می‌آمدند جلوگیری کند. و یا مثل روز بعد از کودتای ۱۲۹۹ که عده‌ای از عوامل شناخته شده سیاست انگلیس هم بازداشت میشوند.

باری مصدق این پیشنهاد را با جواب دندان شکنی رد کرد
و اظهار داشت که:

" اگر وظایف کمیسیون اینست که در مالیه نظارت کند - ! اکنون"
"همین کار را میکنم با این فرق که مرا مجلس ملی انتخاب کرده و در"
"هر ماه هم بیش از ۲۰۰ تومان حقوق ندارم."

البته کمیسیون مذکور بالاخره تحت ریاست یکی از مستشاران بلژیکی
و با عضویت حاج محسن خان امین الدوله و سردار معظم خراسانی
تیمورتاش (وزیر دربار بعدی دوران پهلوی) و نمایندگان روس و
انگلیس تشکیل گردید ولی بععل تحولات بعدی در جنگ بین الملل
اول و تغییر برنامه استعماری انگلیس، وجودش خودبخود منتهی شد.

(شش)

در سال ۱۲۹۶ معاون وزارت مالیه و رئیس اداره کل محاسبات
شد و تا سال ۱۲۹۷ بعنوان معاون وزارت مالیه باقی ماند.

در این دوران نیز با پشتیبانی افکار عمومی و با وجود کارشکنی
های مرتجعین بصورت معاونی مستقل، بدون آنکه به هوی و هوس های
وزیرانی که با کابینه های مختلف در حال رفت و آمد بودند وقعی نهد
و یا اینکه ضعف های آنان باعث دلسردی وی گردد، گامهای موثری در
راه بهبود وضع مالیه و مبارزه با نادرستی ها و جلوگیری از پرداخت های
خلاف مصلحت کشور برداشت از جمله پرداخت مبلغ گزافی معادل

یکصد و هشتاد هزار تومان را به امیر بهادر جنگ که مدعی بود در دوران استبداد صغیر برای امور دولتی خرج کرده است متوقف کرد. میزان آن معادل یک درصد بودجه مملکت می شد و قرار بود برسم علی الحساب تأدیه شود. این پرداخت که در اصل به وسیله عمال استبداد صغیر برای قلع و قمع آزادیخواهان به کار رفته بود بوسیله حکومت مشروطه، کاری بس نامطلوب و ناشایست بنظر میرسد و مصدق با اعمال قدرت از طریق کمیسیون تطبیق حوالجات که اکنون تحت ریاست او بود (و داشتن این سمت را شرط قبول معاونت قرار داده بود) مانع اجرای اینگونه تصویب نامه های دولت میشد.

برای نخستین بار در دادگاهی که تشکیل داد عده ای از کارمندان عالیرتبه را محاکمه کرد. این اشخاص با تصمیمات خلاف در مورد نحوه دریافت درآمد ناشی از باندرول تریاک و تبانی با صاحب امتیاز فروش آن موجبات سوء استفاده هنگفت و ورود زیان فراوان را به خزانه کشور فراهم کرده بودند. دزدان و سوء استفاده کنندگان متنفذ، از خدمت دولت منفصل شدند و مصدق با پشتیبانی افکار عمومی که برای حمایت از وی تجهیز شده بود موفق شد حکم دادگاه را اجرا نماید.

جالب اینجاست دادگاه محافظه کاری که با وجود جاروجنجال، بعلت پافشاری شدید مصدق و با پشتیبانی با افکار عمومی تشکیل گردید، در رأی نهائی خود بمنظور حفظ تعادل و موازنه، مصدق را نیز به کسر حقوق بمدت چهارماه محکوم کرد. متهمین استدلال کرده بودند که بر طبق قانون تشکیلات وزارت دارائی، مجلس مشاوره عالی یعنی مرجعی که در مورد تشکیل دادگاه تصمیم گرفت، می بایست فقط بدعوت وزیر تشکیل شود

و عمل شخص معاون را دادگاه حتی باوجودی که در غیاب وزیر انجام گرفته بود تخلف اداری محسوب نمود. در طول مدت محاکمه و اقدامات بعدی مصدق برای اجرای رأی دادگاه متنفذین و اشخاص ذینفع از هیچ اقدامی علیه او فروگذار نکردند ، یک روز زمینه را برای تکفیر وی فراهم میکردند که در پایان نامه دکترایش به شعائر اسلامی اهانت کرده ، روز دیگر وسیله شیوع تهمت و افتراء دیگری را از همین قماش که امروز نیز علیه وی عنوان میشود فراهم میکردند و حتی قصد جان وی را نمودند و او - ناچار مسلح حرکت میکرد. کار را بجائی رساندند که با تهدید مانع معرفی - اش به عنوان وزیر مالیه توسط مسطوفی شدند و شرط عقب نشینی را در این موضع ، عقب نشینی مصدق را از موضع خود قرار دادند. مصدق که خواهان مقام نبود و خدمت بمردم و حفظ قانون اساسی را بالاترین فریضه خود میدانست ، بدیهی است که زیر بار نرفت. کما اینکه چندی قبل از این ماجرا، دائی او یعنی ، شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما که برای مدت کوتاهی قبل از سپهسالار نخست وزیر شده بود از وی برای احراز سمت وزارت مالیه دعوت نمود و مصدق که با رویه سیاسی فرمانفرما موافق نبود و دولت او را وابسته به سیاست انگلیس میدانست از قبول وزارت امتناع کرد. از میرزا احمد خان اشتری یکی از قضات خوشنام این دادگاه سؤال کرده بودند:

"معاون چرا محکوم شد؟"

گفته بود:

"از این جهت که دزد گرفته بود"

ولی بالاخره پس از چهارماه ، بعلت استعفای مسطوفی از ریاست دولت و غلبه نهائی طرفداران سیاست انگلیس مجبور به استعفا گردیدند.